حجر اسماعيل وجايگاه آن در مباحث فقهي

مصطفي آخوندي

چکيده

حجراسماعيل، موضوع چند مسألة فقهي قرارگرفته است؛ مانند «داخل طواف قرار گرفتن»، «دست کشيدن روي ديوارحجر هنگام طواف» و «فاصلة مطاف ازديوارحجر». در چرايي و دلايل مسائل فوق، ميان فقها اختلاف است. حجر، هم موضوع قرارگرفته و هم مورداستدلال و استناد برخي فقيهان بوده است. چون مسأله به ماهيت حجر باز مي گردد، اين مقاله مي­کوشد ضمن تبيين چيستي حجراسماعيل، نقش وجايگاه آن در تأثيرگذاري بر مباني و دلايل مسائل فقهي روشن سازد.

کليدواژها: حجراسماعيل، طواف، هاجر، اسماعيل وکعبه

مقدمه

حجر اسماعيل چيست؟ آيا جزو كعبه است يا خارج آن؟

در اين مسأله از ديرباز ميان فقيهان اختلاف بوده وطبعاً بر مباني فقهيِ آنان تأثيرگذاشته وگاه به عنوان دليل مسأله مورد عنايت قرارگرفته است.

مانند: بطلان طواف از داخل حجر اسماعيل، دست کشيدن برديوار يا دست گذاشتن روي ديوار حجر اسماعيل، وفاصلة حدّ مطاف از طرف حِجر اسماعيل، طبق فتواي فقهاي گذشته که قائل به تحديد مطاف به فاصله 5/26 ذراع هستند.

در اينجا اين پرسش به ذهن مي آيدکه جايگاه حجر اسماعيل در مسائل مربوط به طواف ومسائل فقهي چه مقداراست؟

و اين باز مي­گردد به چيستي حجراسماعيل و قرارگرفتن آن در حيطة دلايل مسائل فوق، لذاکوشيده­ايم با دلايل نقلي، چيستيِ حجر اسماعيل را تبيين و مسائل فقهي مربوط به آن را بيان کنيم.

حجر اسماعيل چيست و آيا جزو كعبه است يا خارج آن؟

حجر اسماعيل ميان دو ركن شامي و عراقي است. ديواري كوتاه و قوسي شكل به ارتفاع 30/1 سانتي‏متر و پهناي نيم متر دارد. بالاي آن، سه لامپ نوراني با فاصله از هم قرارد قرارداده­اند. داخل حجر، محل دفن حضرت هاجر، حضرت اسماعيل و تعدادي از پيامبران است.1

در اين­كه آيا حجر اسماعيل جزو كعبه است؟ دو نظريه وجود دارد:

الف: حِجر اسماعيل ـ تمام يا قسمتي از آن ـ جزو كعبه بوده كه از آن جدا شده است. اين قول منتسب به اهل سنت و علاّمة حلّي است و شهيد اوّل نيز با ترديد به مسأله نگريسته است.

ب: حجر اسماعيل ـ نه تمامش و نه قسمتي ازآن ـ جزو بيت نيست. اين نظريه منتسب به مشهور فقهاي اماميه است.

پيروان نظرية اول

\* الف: علامة حلّي، از ميان علماي شيعه، تنها فقيهي است که اين نظريه را داده و شهيد اوّل در دروس با ترديد از آن گذرکرده است.

شهيد اول با نسبت دادن مسأله به قول مشهور مي­نويسد: «سواء قلنا بأنّه من البيت كما هو المشهور أو لا...»؛ حجر بايد داخل طواف باشد، چه معتقد باشيم که آن جزو بيت است همانگونه كه مشهور است، يا بر اين باور نباشيم.1

شهيد اوّل، جزو کعبه بودن حِجر را به مشهور نسبت مي­دهد، در حالي که مشهور فقهاي شيعه گفته­اند حجر اسماعيل جزو بيت نيست.

علاّمه در کتاب «منتهي المطلب» (ج2، ص691) و تذكرة الفقاء، با استناد به قول اهل‏سنّت و دلايل آنان مي‏نويسد: بنابر قولي از شافعي، حجر جزو بيت نبوده و از خارج آن است و طبق قول ديگري از وي، حجر اسماعيل به اندازة شش ذراع جزو کعبه است. از عايشه نقل شده که گفت: «نذر كردم دو رکعت نماز در داخل کعبه بخوانم، پيامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در حجر اسماعيل بخوان.» بنابراين، شش ذراع از آن جزو بيت مي‏باشد. برخي هم گفته‏اند هفت ذراع.

علاَمه روايت تاريخي زير را نيز به عنوان دليل ديگر آورده است:

قبل از بعثت پيامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم سيلي آمد و خانة خدا را خراب كرد. قريش گرد آمدند تا آن را مانند قبل بسازند. هنگام ساخت و تعمير خانه، پول پاک و طيّب و هدايا و نذر كم آمد. پس کعبه را از جانب حِجر كم گذاشتند، همچنين شاذروان را. ليکن عبداللَّه‏بن زبير كه بر مكه تسلّط يافت، كعبه را خراب و طبق نقشة حضرت ابراهيم بنا كرد. حَجّاج‏بن يوسف ثقفي كه روي كار آمد، بناي زبير را خراب و كعبه را به حالت بناي کنوني ـ كه همان بناي قريش است ـ درآورد.3

رواياتي که علامه از عامه آورده، نزد فقيهان شيعه اعتبار ندارد و جز اين روايات، دليل ديگري ذکرنکرده است. بنابراين، نظرية علامه ـ که شاذّ و نادراست ـ در برابر قول مشهور قدرت عرض اندام ندارد و از اعتبار و حجّيت ساقط است.

سيد محمد عاملي در كتاب «مدارك الاحكام في شرح شرايع الاسلام» مي‏نويسد:

روايتي که سند بر گفتة شهيد باشد نيافتيم و بر روايتي كه علامه در تذكره آورده، اعتمادي نيست و بر مدّعاي او نيز مستندي نديديم، علاوه اين كه مدعاي ايشان مخالف با روايات است.4

علامه محمد حسن نجفي درکتاب «جواهرالکلام»، سخنان علامه را بي‏پايه و اساس دانسته، مي‏نويسد: «اينها حرف‏هايي است بي‏تحقيق كه با روايات بسياري در تعارض است.»5

آيت اللَّه فاضل= مي‏نويسد: «اين قول ـ كه حجر اسماعيل جزو بيت است ـ با روايات بسياري در تعارض مي‏باشد.6

\* ب: اهل‏سنت به­ اتفاق، جز شافعي گفته­اند: حجر اسماعيل جزو بيت است.

ابن قدامه در جايي مي‏نويسد:

«و لنا أنّه من البيت»؛ «باور ما آن است كه حِجر جزو بيت مي باشد.»

و دليل اين سخن را كه طواف بايد از خارج حجر اسماعيل انجام گيرد، همين مي‏داند. او مي­افزايد: طواف بايد بيرون از حجر باشد، چون حجر جزو بيت است.7

دلايل اهل سنت

دلايلي كه اهل سنت بر اين نظريه اقامه کرده­اند، رواياتي است كه از عايشه نقل شده و به آنها اشاره مي­کنيم .

1. ابن قدامه در المغني به تفصيل و با دو نقل ذكر كرده است:

الف: پيامبرـ صلي الله عليه ]وآله[ و سلّم ـ به عايشه فرمود: «صلّي فِي الحَجَر فَإنّ الحَجَر مِنَ البَيتِ»؛ «در حجر نماز بخوان، زيرا آن، جزو بيت و کعبه است.»

ب: عايشه گفت: «دوست داشتم داخل كعبه شوم و در آنجا نماز بخوانم. پس پيامبر خدا ـ صلّي الله عليه ]وآله[ و سلّم ـ دست مرا گرفت و داخل حجر برد و فرمود: در حجر نماز بخوان، اگر خواستي داخل خانه شوي، همانا حجر قطعه‏اي از خانه است.»

و در مورد صحت روايت، ترمذي گويد: اين حديث حسن و صحيح است.8

2. «عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: سَأَلْتُ رَسُول اللَّهِ ـ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ ] وآله[ وَسَلَّمَ ـ عَنْ الْحِجْرِ فَقَالَ هُوَ مِنْ الْبَيْتِ».9

از عايشه نقل شده که گفت: از پيامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مورد حجر پرسيدم، فرمود: آن جزو خانه است.»

3. عايشه گويد: پيامبرخدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: قوم تو، از خانه كم گذاشتند. اگر تجديد عهد آنان با شرك نمي‏شد، آنچه را كم گذاشتند، برمي‏گرداندم. پس اگر بعد از من قوم تو خواستند (كعبه را) تجديدبنا كنند، بيا تا آنچه را كم گذاشته­اند نشان دهم. پس، نزديک هفت ذراع بود)كه كم گذاشته بودند.»10

بررسی

همانطور که پيش­ترگفته شد، اهل‏سنت تنها سه روايت از عايشه به عنوان دليل نقل كرده‏اند كه علامة حلّي برخي از آن­ها را در كتاب تذكرة الفقها آورده است. ولي فقهاي بزرگوار، اين دسته از روايات را معتبر ندانسته­اند. بنابراين، قول نخست كه مي‏گويد: حجر اسماعيل ـ تمام يا جزئي از آن ـ از بيت مي­باشد، بي‏پايه و دليل است؛ زيرا اوّلا: جز چند روايت که عايشه نقل کرده، دليل ديگري بر اين مطلب وجود ندارد. ثانياً ـ با دلايل و رواياتي از اهل‏بيت‏ علیهم السلام كه در قول دوّم خواهيم آورد، در تعارض مي‏باشند.

پيروان نظرية دوّم، يا قول مشهور

مشهور ميان فقهاي اماميه آن است كه حجر اسماعيل ـ نه تمام و نه بخشي ازآن ـ جزو کعبه نيست. فقهايي چون صاحب جواهر،11 صاحب مدارك،12وآيت اللَّه فاضل13 و... به اين مسأله تصريح كرده‏اند.

دلايل

سه گروه از روايات بر اين نظريه اقامه شده و آن را به اثبات رسانده است:

الف ـ رواياتي كه با صراحت مي‏گويند، حجر اسماعيل جزو خانه نيست، عبارت­اند از:

1. صحيحة معاو ية بن عمار

«مُحَمَّدُبْنَ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِبْنِ يَحْيَي عَنْ أَحْمَدَبْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ‏بْنِ سَعيدٍ عَنْ فَضَالَةَبْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَبْنِ عَمَّارٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَاعَبْدِاللَّهِ علیه السلام عَنِ الْحِجْرِ أَمِنَ الْبَيْتِ هُوَ أَوْ فِيهِ شَيْ‏ءٌ مِنَ البَيْتِ؟ فَقَالَ: لا، وَلا قُلامَةُ ظُفُرٍ وَلكِنَّ إِسْمَاعِيلَ دَفَنَ أُمَّهُ فِيهِ فَكَرِهَ أَنْ يُوطَأَ فَجَعَلَ عَلَيْهِ حِجْراً وَ فِيهِ قُبُورُ أَنْبِيَاءَ».14

«معاوية بن عمار ‏گويد: از امام صادق‏ علیه السلام پرسيدم: آيا حجر جزو خانه است يا چيزي از خانه در آن واقع شده است؟ فرمود: نه جزو خانه است و نه چيزي از خانه به اندازه سر ناخن، در آن است. بلكه اسماعيل مادر خود را در آن دفن كرد و خوش نداشت قبر مادرش زير پاي طواف كنندگان قرار گيرد. پس اطراف آن را ديوار كشيد و همچنين آنجا قبور پيامبران مي‏باشد.»

2. صحيحة زراره

«وَ عَنْهُ عَنِ الحَسَنِ‏بْنِ فَضَّالٍ وَ عَبْدِاللَّه الْحَجَّالِ جَميعاً عَنْ ثَعْلَبَةبْنِ مَيْمُونٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّه علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الحِجْرِ، هَلْ فِيهِ شَي‏ءٌ مِنَ البَيْتِ؟ فَقَالَ لا، وَلا قُلامَة ظفُرٍ».15

«زراره ‏گويد: از امام صادق علیه السلام پرسيدم: آيا چيزي از خانة خدا در حجر واقع شده است؟ فرمود: نه و نه به اندازة يك سر ناخن.

3. قَالَ: وَ رُوي أَنَّ فِيهِ قُبُورَ الانْبِيَاء علیهم السلام وَ مَا فِي الْحِجْرِ شَيْ‏ءٌ مِنَ البَيْتِ وَ لا قُلامَة ظُفُر».16

«روايت شده كه در حجر، قبور پيامبران علیهم السلام است. نه چيزي از حجر جزو کعبه قرار گرفته و نه به اندازة سرانگشتي از خانه در حجر واقع شده است.»

نتيجه

روايت معاويه و زراره تصريح دارند كه حجر جزو خانة خدا نيست و حتي به اندازه سر ناخن از كعبه در آن واقع نشده است. تعبير «لا» در روايت؛ يعني نه تمام حجر و نه قسمتي از آن، جزو كعبه نيست و تعبير «لاقلامة ظُفر» تأكيد بر آن است كه حتي سر ناخن از حجر اسماعيل جزو خانة خدا واقع نشده است.

ب: رواياتي است كه مي‏گويد: حجر اسماعيل، خانه اسماعيل بوده كه محلّ دفن هاجر، اسماعيل، دختران او و برخي پيامبران مي‏باشد.

4. خبر مفضل‏بن عمر

وَعَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ جُمْهُورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِبْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ‏بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّه علیها السلام قَالَ: الْحِجْرُ بَيْتُ إِسْمَاعِيلَ وَ فِيهِ قَبْرُ هَاجَرَ وَ قَبْرُ إِسْمَاعِيلَ».17

مفضل‏بن عمر از امام صادق علیه السلام روايت مي‏كند كه فرمود: حجر، خانة اسماعيل بود، آنجا قبر هاجر و قبر اسماعيل است.

5. روايت حلبي

«مُحَمَّدُبْنُ إِدْريسَ فِي آخِرِ السَّرَائِرِ نَقْلاً مِنْ نَوَادِرِ أَحْمَدَبْنِ مُحَمَّدِبْنِ أَبِي‏نَصْرٍ الْبَزَنْطِيِّ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي‏عَبْدِاللَّه علیها السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الحِجْرِ، فَقَالَ إِنَّكُمْ تُسَمُّونَهُ الحَطِيمَ وَ إِنَّمَا كَانَ لِغَنَمِ إِسْمَاعِيلَ وَ إِنَّمَا دَفَنَ فِيهِ أُمَّهُ و كَرِهَ أَنْ يُوطَأَ قَبْرُهَا فَحَجَّرَ عَلَيْهِ وَ فِيهِ قُبُورُ أَنْبِيَاءَ».18

حلبي مي‏گويد: از امام صادق‏ علیه السلام در مورد حِجر پرسيدم. فرمود: شما آن را حطيم مي‏خوانيد. همانا حجر براي گوسفندان اسماعيل بود و در آنجا مادرش را دفن كرد و چون دوست نداشت قبر مادرش پايمال شود، ديواري دور آن كشيد و همچنين آنجا قبر پيامبران است.»

6 . خبر ابوبكر حضرمي

«وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَبْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيّ‏بْنِ النُّعْمَانِ، عَنْ سَيْفِ‏بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي‏بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ، عَنْ أَبي‏عَبْدِاللَّه علیها السلام قَالَ: إِنَّ إِسْمَاعِيلَ دَفَنَ أُمَّهُ فِي الحِجْرِ وَ حَجَّرَ عَلَيْهَا لِئَلا يُوطَأَ قَبْرُ أُمِّ إِسْمَاعِيلَ فِي الْحِجْرِ».19

«ابوبكر حضرمي از امام صادق‏ علیه السلام روايت مي‏كند كه فرمود: اسماعيل مادرش را در حجر به خاك سپرد و دور آن را ديوار كشيد تا قبر مادر اسماعيل پايمال (طواف‏كنندگان) نشود.»

نكته: اين روايت را صدوق نيز از طريق خود نقل كرده است.

7. روايت مفضل‏بن عمر

«وَ عَنْ بَعَضِ أَصْحَابِنَا، عَنِ ابْنِ جُمْهُورٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِبْنِ سِنَانٍ، عَنِ الْمُفَضَّلِ‏بْنِ عُمَرَ، عَنْ أَبِي‏عَبْدِاللَّه علیها السلام قَالَ: الحِجْرُ بَيْتُ إِسْمَاعِيلَ وَ فِيهِ قَبْرُ هَاجَرَ وَ قَبْرُ إِسْمَاعِيل».20

«مفضل‏بن عمر از امام صادق‏ علیه السلام روايت مي‏كند كه فرمود: حِجر خانة اسماعيل بود و در آن، قبر هاجر و قبر اسماعيل واقع شده است.»

8 . صحيح ابوبصير

«وَ فِي الْعِلَلِ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَعْدِبْنِ عَبْدِاللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَبْنِ مُحَمَّدِبْنِ عِيسَي، عَنْ أَحْمَدَبْنِ مُحَمَّدِبْنِ أَبِي‏نَصْرٍ، عَنْ أَبَانِ‏بْنِ عُثَْمانَ، عَنْ أَبِي‏بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي‏جَعْفَرٍ أَوْ أَبِي عَبْدِاللَّه علیهم السلام فِي حَديثِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: وَ تُوُفِّي إِسْمَاعِيلُ بَعْدَهُ وَ هُوَ ابْنُ ثَلاثِينَ وَ مِائَةِ سَنَةٍ فَدُفِن فِي الحِجْرِ مَعَ أمِّهِ».21

«ابوبصير از امام باقر يا امام صادق‏ علیها السلام در حديث ابراهيم و اسماعيل مي‏گويد: اسماعيل بعد از مادرش، در حالي كه به سن 130 سالگي رسيده بود رحلت كرد و كنار مادرش در حجر به خاك سپرده شد.»

9. روايت محمدبن علي‏بن الحسين

«مُحَمَّدُبْنُ عَلِيّ‏بْنِ الحُسَيْنِ، عَنِ النَّبِيِّ وَ الأئِمَّة علیهم السلام قَالَ: صَارَ النَّاسُ يَطوفُونَ حَوْلَ الحِجْرِ وَ لايَطوفُونَ فِيهِ، لأنَّ أُمَّ إِسْمَاعِيلَ دُفِنَتْ فِي الحِجْرِ فَفِيهِ قَبْرُهَا فَطيفَ كذَلِكَ لِئَلاَّ يُوطأَ قَبْرُهَا».22

«محمدبن علي‏بن الحسين، از پيامبر و ائمه علیهم السلام چنين روايت مي‏كند: مردم پيرامون حِجر طواف مي‏كنند و نه داخل آن، چون مادر اسماعيل در حجر دفن شده است. پس آن قبر مادر اسماعيل است. اين چنين طواف مي‏كنند تا قبر او پايمال نشود.»

10. قَالَ: وَ رَوِيَ أَنَّ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام لَمَّا قَضَي مَنَاسِكَهُ أَمَرَهُ ‏اللَّهُ بِالانْصِرَافِ فَانْصَرَفَ وَ مَاتَتْ أُمُّ إِسْمَاعِيلَ فَدَفَنَهَا فِي الحِجْرِ و حَجَّرَ عَلَيْهَا لِئَلاَّ يُوطَأَ قَبْرُهَا».23

«هنگامي كه ابراهيم مناسكش را به پايان رساند، خداوند فرمان به بازگشت او داد. مادر اسماعيل از دنيا رفت و در حجر دفن شد و بر آن ديوار كشيدند تا قبر او پايمال نشود.»

11. روايت معاويةبن عمار

«وَ عَنْ عدَّةِ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ‏بْنِ زِيَادٍ، عَنْ مُحَمَّدِبْنِ الوَليدِ شَبَابٍ الصَّيْرَفِيِّ، عَنْ مُعَاوِيَةَبْنِ عَمَّارٍ، قَالَ: قَالَ أَبُوعبْدِاللَّه علیه السلام : دُفِنَ فِي الحِجْرِ مِمَّا يَلِي الرُكْنَ الثَّالِثَ عَذَارَي بَنَاتِ إِسْمَاعِيلَ».24

«معاوية بن عمار از امام صادق‏ علیه السلام روايت کرد که: در حجر اسماعيل ـ آنچه تا ركن سوّم مي‏رسد ـ دختران اسماعيل به خاك سپرده شده‏اند.»

اين دسته از روايات مي‏گويد: حِجر محل دفن هاجر، اسماعيل، دختران اسماعيل و برخي انبيا است؛ يعني يك قبرستان مقدس. ولو برخي از اين روايات مرفوعه است، اما برخي ديگر صحيح مي‏باشد، و اين گروه از روايات، شاهد خوبي است كه حجر اسماعيل جزو خانة خدا نيست و چيزي از خانة خدا در آن واقع نشده است. زيرا جايز نيست در داخل خانة خدا كسي را دفن كنند، هر چند پيامبر خدا يا از اولياء الله باشند.

مرحوم آيت اللَّه فاضل‏= مي‏نويسد: تأييد بر اين مطلب (که حجر جزو کعبه نيست) دفن اسماعيل، هاجر و تعدادي از پيامبران در آنجاست؛ زيرا مرسوم و معهود نبود كه خانة خدا يا جزئي از آن، محل دفن عده‏اي قرار گيرد ولو از پيامبران يا افراد منتسب و مرتبط با آنان باشد. گرچه بگوبيم كه دفن جايز باشد. بنابراين، بدون هيچ ترديدي حجر بيرون از كعبه است و خانه، حتي جزئي از آن، شامل حجر اسماعيل نمي‏شود.25

ج : رواياتي که دلالت مي کند بر جواز خواندن نماز در حجر اسماعيل:

12. روايت يونس‏بن يعقوب

«مُحَمَّدُبْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِبْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحَسَنِ‏بْنِ عَلِي، عَنْ يُونُسَ‏بْنِ يَعْقُوبَ، قَالَ: قُلتُ لأَبِي‏عَبْدِاللَّه‏ علیه السلام إِنِّي كنْتُ أصَلِّي فِي الحِجْرِ، فَقَالَ لِي رَجُلٌ لاتُصَلِّ المَكتُوبَة فِي هَذَا المَوْضع فَإِنَّ فِي الحِجْرِ مِنَ الْبَيْتِ. فَقَال علیه السلام كذَبَ صَلِّ فِيهِ حَيْثُ شئْتَ».26

«يونس‏بن يعقوب ‏گويد: به امام صادق‏ علیه السلام گفتم: در حجر اسماعيل نماز مي‏خواندم، مردي به من گفت: در اين مكان نماز واجب نخوان؛ زيرا حجر جزئي از خانة خداست. امام علیه السلام فرمود: دروغ گفته است. هرگاه که خواستي در آنجا نماز بخوان.»

13. خبر ابوبلال مكّي

«وَ عَنْ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلاَدِ، عَنْ أَبِي بِلاَلٍ الْمَكِّيِّ، قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیها السلام دَخَلَ الْحِجْرَ مِنْ نَاحِيَةِ الْبَابِ، فَقَامَ يُصَلِّي عَلَي قَدْرِ ذِرَاعَيْنِ مِنَ الْبَيْتِ فَقُلْتُ لَهُ مَا رَأَيْتُ أَحَداً مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ يُصَلِّي بِحِيَالِ الْمِيزَابِ فَقَالَ هَذَا مُصَلَّي شَبَّرَ وَ شَبِيرٍ ابْنَيْ هَارُونَ».27

بلال مكّي مي‏گويد: امام صادق‏ علیه السلام را ديدم که داخل حجر شد و دو ذراع مانده به خانه، نماز گزارد. به او گفتم: كسي از اهل‏بيت تو را نديدم كه زير ناودان نماز بخواند. فرمود: اينجا نمازگاه فرزندان هارون شبّر و شُبير است.

بررسي روايت

از اين روايات، به خصوص روايت يونس استفاده مي‏شود كه خواندن نماز واجب در حجر اسماعيل صحيح است و كراهتي ندارد و همين دليل بر اين است كه حجر جزو کعبه نيست؛ زيرا در داخل كعبه خواندن نماز مكروه است. البته سند هر دو روايت ضعيف مي­باشد. خبر ابو بلال مكي به علت مجهول بودن وي ضعيف است و روايت يونس به خاطر عدم توثيق محمد بن الحسين. ليكن برخي از علما مانندآيت الله فاضل(ره) به روايت يونس استدلال كرده‏اند.28 كه در اين صورت مي‏تواند مؤيّد دو گروه قبلي باشد.

نتيجة روايات سه گروه

از سه گروه روايات ياد شده كه از حدّ تواترگذشته و برخي از آنها صحيح است، استفاده مي‏شود حجر اسماعيل جزو كعبه نيست ـ نه همه و نه جزئي ازآن، ولو به اندازة سر ناخن انگشت ـ محل حِجر، خانة اسماعيل بوده و محل دفن هاجر، اسماعيل و تعدادي از انبيا مي‏باشد و احكام كعبه بر آن جاري نمي‏شود. چون در كعبه جايز نيست كسي را دفن كنند، يا نماز خواندن درکعبه مکروه است. ولي حجر اسماعيل در طو اف همچون كعبه است كه مي‏بايست در داخل طواف قرار گيرد.

مسائل مرتبط باحجراسماعيل

1.عدم جواز طواف از داخل حجر

همة فقها؛ اعم از خاصه وعامه، بر اين نظريه هستندکه حجر اسماعيل بايد مانندکعبه داخل طواف قرارگيرد. در اين موردکسي ترديد ندارد و فتوايي برخلاف نداده­اند. ليکن در دلايل آن، ميان علماي شيعه و اهل سنت اختلاف وجود دارد. طبق قول مشهور فقهاي شيعه دلايلي چون: «اجماع»، «روايات»، «سيره» و «سنت» وجود دارد وحجر اسماعيل به عنوان دليل، هيچ دخالتي براين مسأله ندارد. برخلاف اهل سنت که به اتفاق و اجماع، حجراسماعيل را دليل اين وجوب مي­دانند.

ابن قدامه از علماي اهل سنت مي‏نويسد: طواف بايد بيرون از حِجر باشد، چون حجر جزو بيت است.29

ازآنجاکه ابن قدامه حِجر اسماعيل راجزو بيت مي­داند، باآن معاملة بيت مي­کند؛ همانطور که کعبه بايد داخل طواف قرارگيرد، حجر نيز بايد داخل طواف باشد.

علاّمة حلّي نيز مانند اهل سنت به حِجر اسماعيل براي وجوب داخل قرارگرفتن حجر در طواف و دست گذاشتن روي ديوارِ حجر، چنين استدلال کرده است.

در تذكرة الفقها آمده: واجب است حجر اسماعيل را داخل در طواف كند... پس اگر بر روي ديوار حجر رفت يا از درِ حجر وارد و از درِ ديگر خارج شد، طواف او مجزي نيست؛ چرا که او در بيت طواف كرده است. بلكه واجب است كه برگرد حجر اسماعيل طواف كند...30

بنابر قول علاّمه چون حجر جزوکعبه است، پس اگر دستش را روي ديوار حجر بگذارد درحقيقت دستش را داخل کعبه کرده است.

2. دست گذاشتن روي ديوارحِجر

فقها در حکم دست گذاشتن روي ديوار حِجر اسماعيل نظريات گوناگون داده­اند.

گروهي دست گذاشتن روي ديوار حِجر اسماعيل را جايز شمرده­اند که در اين، بحثي نيست. اما برخي که قائل به عدم جواز هستند، دو استدلال آورده­اند؛ برخي به حجر اسماعيل استدلال کرده­اند. مانند علاّمه و اهل سنت.

علّامه در تذكره مي‏نويسد:

«اقرب عدم صحّت طواف كسي است كه دستش را در حين طواف داخل حجر كرده است و اين، يكي از اقوال شافعيه است؛ زيرا بعضي از بدن او در خانه قرار گرفته و ما شرط كرديم كه بايد تمام بدن او خارج بيت باشد.

قول ديگر شافعي ها جواز است؛ و گفته­اند زيرا بيشتر بدن او در خارج بيت است. پس در عرف گفته­ مي‏شود: طواف كرده است ولي اين قول ممنوع است. چون بعضي از بدن او ، در بيت قرار گرفته است.31

علاّمه چون قائل است كه حجر اسماعيل جزو بيت مي­بادش، مي­گويد كسي كه دستش را به طرف حجر دراز كرد و يا روي ديوار حجر گذاشت، بعض بدن او در حين طواف، داخل خانه شده است و حال آن كه در طواف بايد تمام بدن او در خارج خانه باشد و حتي جزئي از بدن نيز جايز نيست كه داخل خانه باشد.

البته اين استدلال از نظر مشهور فقها بي‏اعتبار است. چون با دلايل متقن ثابت شد كه حجراسماعيل جزو خانه نيست.

3.حد مطاف

مسألة ديگر، حد مطاف از جانب حجر اسماعيل است. بنا به گفتة کساني که قائل به مضيق بودن حدّ مطاف هستند؛ يعني فاصلة بيت تا مقام ابراهيم (يعني5/26) ذراع، آيا اين فاصله از جانب حجر اسماعيل، از کعبه محاسبه مي‏شود يا از ديوار حجر؟

در اين مسأله دو نظريه است كه هر كدام مبنايي دارند:

1. محاسبه از بيت 2. محاسبه از ديوار حجر اسماعيل.

نظرية نخست: فاصلة مطاف از بيت محاسبه مي‏شود، در اين صورت با كسر مقدار حجر اسماعيل (تقريباً 20 ذراع) محل طواف ضيق شده و حد مطاف در اين قسمت به 5/6 ذراع (5/3 متر) مي‏رسد.

مثلاً امام خميني‏= که قائل به اين مسأله است، مي‏فرمايد:

در سمت حِجر اسماعيل‏ علیه السلام محلّ طواف تنگ مي‏شود؛ زيرا مقدار حجر (20 ذراع) از آن كاسته شده و تقريباً شش ذراع و نيم براي محل طواف باقي مي‏ماند و بايد از خارج اين حد طواف نشود و اگر بيش از شش ذراع و نيم فاصله گرفت، آن جزء را اعاده كند و احوط اعادة طواف مي‏باشد.32

دلايل اين موضوع متفاوت است:

ـ در برخي منابع فقهي آمده است چون حجر اسماعيل جزو بيت نيست، پس بايد مسافت را از بيت محاسبه كرد، در اين صورت، حجر داخل مطاف قرار گرفته و حدّ مطاف ضيق مي‏شود.

ـ مبناي استدلال برخي ديگر در اين محاسبه آن است كه چون حجر اسماعيل جزو بيت است، پس محاسبه از ديوار حجر صحيح است؛ مانند مرحوم صاحب جواهر.

ـ شيخ محمدحسن نجفي مي‏نويسد: بنابر اين­كه حجر اسماعيل جزو کعبه باشد، مسافت از خارج (ديوار) حِجر محاسبه مي‏شود. ليکن ايشان در نهايت جانب احتياط را گرفته است.33

ـ برخي از علما هم قرائن و شواهدي آورده­اندکه ارتباطي به حجر اسماعيل ندارد، چه جزو خانه باشد چه نباشد. بلکه اين دلايل مستقلاً بر محاسبة مسافت از ديوارحجر دلالت مي­کنند؛ مانند:

1. پيامبرخدا صلی الله علیه و آله و سلم در عمرة القضا با هفتصد نفر طواف كرد. آيا تصور مي‏شود كه اين تعداد مسلمان، همه در 5/3 متر طواف كنند؟

2. پيامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حجّة الوداع با صد هزار نفر به حج آمده بود و همة آنان انگيزه داشتند مناسك حج را با عمل به دستورات آن حضرت بياموزند، لذا تلاش مي­کردند خود را به آن حضرت نزديك­تر كنند. اگر فرض كنيم نصف اين جمعيت در طواف حضور داشته باشند، آيا تصوّر مي‏شود كه در سه ناحيه به فاصله 5/26 ذراع طواف كنند و در يك ناحيه در 5/6 ذراع؟!

3. چنين نيست­كه هميشه در ايام حج، مطاف خلوت شود، به­ويژه در عصر امامان بزرگوار كه بر تعداد حاجيان افزوده مي‏شد. حال با وجود كثرت جمعيت و گاه ازدحام و ابتلاي مردم، مي‏بايست از امامان مسألة حد مطاف در ناحيه حجر اسماعيل سؤال مي‏شد و آنان پاسخ مي‏دادند و يا خود آن بزرگواران به صراحت متعرض مسأله مي‏شدند و حال آن كه در اين خصوص هيچ روايتي وجود ندارد تا مسألة ضيق بودن مطاف در اين قسمت را بيان كند و چون روايتي به دست ما نرسيده و حال آن­كه دواعي بر ذكر آن بوده، معلوم مي‏شود كه مسافت طواف در قسمت حجر، ضيق نبوده و مطاف از ديوار حجر محاسبه مي‏شده است.34

پي نوشت ها:

1. فروع كافي، ج4، ص210

2. دروس، ج 1، ص394

3 . تذکرة الفقها، ج 8 ، ص91

4. المغني، ج 3، ص397).

5 . مدارك الاحكام، ج 8 ، ص 128

6 . جواهرالكلام، ج19، ص293

7. كتاب الحج، ج4، ص363

8 . المغني، ج3، ص397

9. همان.

10. «قَالَ رَسُول اللَّهِ ـ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ ]وآله[ وَسَلَّمَ إِنَّ قَوْمَكِ اسْتَقْصَرُوا مِنْ بُنْيَانِ الْبَيْتِ وَلَوْلا حَدَاثَةُ عَهْدِهِمْ بِالشِّرْكِ أَعَدْتُ مَا تَرَكُوا مِنْهُ فَإِنْ بَدَا لِقَوْمِكِ مِنْ بَعْدِي أَنْ يَبْنُوهُ فَهَلُمِّي لأُرِيَكِ مَا تَرَكُوا مِنْهُ فَأَرَاهَا قَرِيبًا مِنْ سَبْعَةِ أَذْرُعٍ» (المغني، ابن قدامه، ج3، ص397)

11. جواهرالكلام، ج21، ص293

12. مدارك الاحكام، ج8 ، ص128

13. كتاب الحج، ج4، ص363

14. وسائل الشيعه، ج9، ص429، ابواب الطواف، باب30، ح1

15. وسائل الشيعه، ج5 ، ص276، ابواب الصلاة، باب 54 ، و ح 6535 ، چاپ آل‏البيت.

16. وسائل الشيعه، ج9، ص430، ابواب الطواف، باب30، ح6

17. وسائل الشيعه، ج9، ص430، ابواب الطواف، باب30، ح3

18. وسائل الشيعه، ج 9، ص431، ابواب الطواف، باب 30، ح10

19. وسائل الشيعه، ج9، ص 429، ابواب الطواف، باب 30، ح 2؛ ج 13، ص 354

20. همان، ح3

21. وسائل الشيعه، ج9، ص430، ابواب الطواف، باب 30، ح 8

22. همان، ح 5

23. همان، ح 7

24. وسائل الشيعه، ج9، ص430، ابواب الطواف، باب30، ح4

25. كتاب الحج، ج4، ص364

26. وسائل الشيعه، ج5 ، ص276، ابواب الصلاة، باب 54، ح 6534، چاپ آل‏البيت.

27. وسائل الشيعه، ج5 ، ص274، ابواب الصلاة، باب 53، ح 6529

28. كتاب حج، ح4، ص364

29. المغني، ج3، ص397).

30. تذکرة الفقها، ج 8، ص91).

31. تذکرة الفقها، ج8 ، ص92، م 459).

32. تحرير الوسيله، ج1، ص 433

33. جواهرالكلام، ج19، ص298)

34. آية اللَّه فاضل، كتاب الحج، ج 4، ص 375